

از همه اینها گذشته، از چهارپایان به عنوان مرکبهای راهوار در خشکی و از کشتیهها برای دریاها استفاده کرده بر چهارپایان و کشتیهها سوار و به منزلگاههای

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۳

مقصود خود می‌رسید» (و علیها و علی الفلک تحملون). اینهمه آثار و خواص و فوائد در این حیوانات به راستی مایه عبرت است، هم انسان را به آفریننده اینهمه نعمت آشنا می‌سازد و هم حس شکرگزاری را در او برمی‌انگیزد. تنه‌ها سؤالی که اینجا باقی می‌ماند این است که چگونه چهارپایان و کشتیهها در یک ردیف قرار گرفته‌اند؟ اما با توجه به یک نکته پاسخ این سؤال روشن می‌شود: زیرا انسان نیاز به مرکب در همه روی زمین دارد، در کنار مرکب برای خشکی مرکبهای دریائی یعنی کشتیهها را ذکر می‌کند و در حقیقت این تعبیر همانند چیزی است که در آیه ۷۰ سوره اسراء که در مورد مواهب بنی آدم می‌فرماید: و حملناهم فی البر و البحر: «ما آنها را در خشکیها و دریاها حمل و نقل می‌کنیم».

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۴

آیه ۲۳ - ۲۵

آیه و ترجمه

و لقد اءرسلنا نوحا الی قومه فقال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره اءلاتتقون ۲۳  
فقال الملو الذین کفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلکم یرید ان یتفضل علیکم ولو شاء الله لانزل ملائکة ما سمعنا بهذا فی اءبائنا الاولین ۲۴  
ان هو الا رجل به جنة فتربصوا به حتی حین ۲۵

ترجمه :

۲۳ - ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، به آنها گفت ای قوم من! خداوند

یکتا را پرستید که غیر از او معبودی برای شما نیست، آیا (باز از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟

۲۴ - جمعیت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر شده بودند گفتند: این مرد بشری است همچون شما که می خواهد بر شما برتری جوید، اگر خدا می خواست پیامبری بفرستد فرشتگانی نازل می کرد، ما چنین چیزی هرگز در نیاکان خود ننشیده ایم.

۲۵ - او فقط مردی است که مبتلا به نوعی از جنون است، باید مدتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهائی یابد).

تفسیر:

منطق کوردلان مغرور

از آنجا که در آیات گذشته، سخن از توحید و معرفت خداوند و دلایل عظمت

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۵

او در جهان آفرینش بود، همین مطلب را در آیات مورد بحث و آیات آینده از زبان پیامبران بزرگ و در لابلای تاریخ آنها بیان می کند.

نخست از نوح نخستین پیامبر اولوالعزم و منادی توحید شروع کرده می گوید: «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، او به آنها گفت که ای قوم من! الله خداوندیگانه یکتا را پرستید که غیر از او معبودی برای شما نیست» (و لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره).

«آیا با این بیان روشن از پرستش بتها پرهیز نمی کنید؟» (افلا تتقون).

«اما جمعیت اشرافی ثروتمند و مغرور که چشمها را در ظاهر پر می کنند و ازدرون خالی هستند، از قوم او گفتند: این مرد تنها بشری همچون شما است با این قید که حس برتری جوئی در او تحریک شده و می خواهد بر شما مسلط شود و حکومت کند!» (فقال الملا الذين كفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلكم يريد ان يتفضل عليكم).

و به این ترتیب انسان بودنش را نخستین عیبش دانستند و به دنبال آن متهمش ساختند که او یک فرد سلطه جو است و سخنانش از خدا و توحید و دین و آئین، همه توطئه ای است برای رسیدن به این مقصود!

سپس افزودند: «اگر خدا می خواست رسولی بفرستد حتما فرشتگانی را برای این منظور نازل می کرد» (و لو شاء الله لانزل ملائكة).

و برای تکمیل این استدلال واهی گفتند: «ما هرگز چنین چیزی را از نیاکان پیشین خود نشنیده‌ایم که انسانی دعوی نبوت کند و خود را نماینده خدا بداند!» (ما سمعنا بهذا فی آبائنا الاولین). ولی این سخنان بی‌اساس در روح این پیامبر بزرگ اثر نکرد و نوح همچنان

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۶

به دعوت خود ادامه می‌داد و نشانه‌ای از برتری جوئی و سلطه طلبی در کار او نبود، لذا او را به اتهام دیگری متهم ساختند و آن اتهام «جنون و دیوانگی» بود که همه پیامبران الهی و رهبران راستین را در طول تاریخ به آن متهم ساختند، گفتند: «او فقط مردی است که مبتلا به نوعی از جنون است باید مدتی درباره او صبر کنید تا مرگ او فرا رسد و یا از این جنون شفا یابد!» (ان هو الا رجل به جنۃ فتر بصوا به حتی حین). جالب اینکه آنها در این تهمت خود نسبت به این پیامبر بزرگ تعبیر به جنۃ را (دارای نوعی جنون است) به کار بردند، تا بر این واقعیت سرپوش نهند که زندگی این پیغمبر و سخنان او همگی بهترین نشانه عقل و دانش او است در حقیقت آنها می‌خواستند بگویند همه اینها درست است، ولی جنون فنون و چهره‌های مختلفی دارد که در بعضی مظاهر عقل نیز هست!! جمله فتر بصوا به حتی حین ممکن است اشاره به انتظار مرگ نوح باشد که مخالفان برای آن دقیقه شماری می‌کردند تا آسوده خاطر شوند، و ممکن است تاء کیدی بر نسبت جنون به او باشد یعنی انتظار بکشید تا از این بیماری بهبودی یابد!.

به هر حال آنها در سخنان خود سه نوع اتهام واهی و ضد و نقیض برای نوح قائل شدند، و هر یک را دلیل بر نفی رسالت او گرفتند. نخست اینکه اصولاً ادعای رسالت از ناحیه بشر دروغ است! چنین چیزی سابقه نداشت اگر خدا می‌خواست باید فرشتگانی بفرستد. دیگر اینکه او مرد سلطه جوئی است و این ادعا را وسیله‌ای برای رسیدن

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۷

به این هدف قرار داده است. سوم اینکه او عقل درستی ندارد و آنچه می‌گوید: از این رهگذر است!.

و از آنجا که پاسخ این ایرادها و اتهامات بی اساس و پیریشان همه روشن بود و در آیات دیگر قرآن نیز آمده، قرآن در اینجا سخنی در این زمینه نمی گوید. زیرا از یکسو مسلم است رهبر انسان باید از جنس خود او باشد تا با نیازها و دردها و مسائل انسان آشنائی داشته باشد، بعلاوه همیشه پیامبران از جنس بشر بوده اند.

از سوی دیگر از زندگی پیامبران به خوبی روشن می شود که مساءله برادری و تواضع و نفی هر گونه سلطه جوئی از بارزترین صفاتشان بوده، و عقل و هوش و درایتشان نیز حتی بر دشمنانشان آشکار بوده و در لابلای گفته هاشان به آن اعتراف می کردند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۸

آیه ۲۶ - ۳۰

آیه و ترجمه

قال رب انصرنی بما کذبون ۲۶  
فاوحینا الیه اءن اصنع الفلک باعیننا و وحننا فاذا جاء اءمرنا و فار التنور فاسلک  
فیهم من کل زوجین اثنین و اءهلک الا من سبق علیه القول منهم و لا تخاطبونی  
فی الذین ظلموا انهم مغرقون ۲۷  
فاذا استویت اءنت و من معک علی الفلک فقل الحمد لله الذی نجئنا من  
القوم الظلمین ۲۸  
و قل رب اءزلنی منزلا مبارکا و اءنت خیر المنزلین ۲۹  
ان فی ذلک لآیات و ان کنا لمبتلین ۳۰  
ترجمه :

۲۶ - (نوح) گفت پروردگارا مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن.  
۲۷ - ما به نوح وحی کردیم که کشتی را در حضور ما و مطابق فرمان ما بساز  
و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد و آب از تنور بجوشد (که  
این نشانه فرارسیدن طوفان است) از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در  
کشتی سوار کن، و همچنین خانواده ات را، مگر آنها که قبلا وعده هلاکشان  
داده شده است

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۲۹

(اشاره به همسر نوح و فرزند ناخلف اوست) و دیگر درباره این ستمگران با من سخن مگوی که آنها همگی هلاک خواهند شد!

۲۸ - و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید بگوستایش خدائی را که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید.

۲۹ - و بگو پروردگارا ما را در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگان.

۳۰ - (آری) در این ماجرا آیات و نشانه‌هایی برای صاحبان عقل و اندیشه است و ما مسلماً همگان را آزمایش می‌کنیم.

**تفسیر:**

### پایان عمر یک قوم سرکش

در آیات گذشته بخشی از تهمتهای ناروائی را که دشمنان نوح به او زدند خواندیدم ولی از آیات دیگر قرآن به خوبی استفاده می‌شود که اذیت و آزار این قوم سرکش تنها منحصر به این امور نبود بلکه با هر وسیله توانستند او را در فشار قرار دادند و آزار کردند، و نوح حداکثر تلاش و کوشش خود را در هدایت و نجات آنها از چنگال شرک و کفر به خرج داد، هنگامی که از تلاشهای خود مأیوس شد و جز گروه‌اندکی ایمان نیاوردند از خدا تقاضای کمک کرد چنانکه در نخستین آیه مورد بحث می‌خوانیم:

«گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهایی که کردند یاری کن» (قال رب انصرنی بما کذبون).

در اینجا فرمان پروردگار فرا رسید و مقدمات نجات نوح و یاران اندکش و نابودی مشرکان لجوج فراهم شد.

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۳۰

«ما به نوح وحی فرستادیم که کشتی را در حضور ما و طبق فرمان ما بساز» (فاوحینا الیه ان اصنع الفلک باعیننا و وحینا).

تعبیر «باعیننا» (در برابر دیدگان ما) اشاره به این است که تلاش و کوشش تودر این راه در حضور ما است و تحت پوشش حمایت ما، بنابراین با فکر راحت و آسوده به راه خود ادامه ده و از هیچ چیز ترس و واهمه نداشته باش. ضمناً تعبیر به «وَحینا» نشان می‌دهد که نوح طرز کشتی ساختن و چگونگی آن را از وحی الهی آموخت، و گر نه چنان چیزی - طبق نوشته تواربخ

- تا آن زمان سابقه نداشت، به همین دلیل نوح کشتی را آنچنان متناسب با مقصد و مقصود خود ساخت که هیچ کم و کسری در آن نبود!

سپس ادامه می‌دهد هنگامی که فرمان ما فرا رسد، و نشانه‌اش این است که آب از درون تنور خواهد جوشید، بدان زمان طوفان نزدیک شده است بلافاصله از تمام انواع حیوانات یک جفت (نر و ماده) انتخاب و در کشتی سوار کن» (فاذا جاء امرنا و فار التنور فاسلك فيهما من كل زوجين اثنين).

«و خانواده و دوستان با ایمانت را بر کشتی سوار نما، مگر آنها که قبلاً وعده هلاکشان داده شده است» (اشاره به همسر نوح و یکی از فرزندانش است) (واهلك الا من سبق عليه القول منهم).

و باز اضافه می‌کند: «و دیگر درباره این ستمگران (که هم بر خویش ستم کردند و هم بر دیگران) با من سخنی مگو که آنها همگی غرق خواهند شد و جای گفتگو نیست» (و لا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون).

البته این اخطار به خاطر آن بود که ممکن بود نوح تحت تأثیر عواطف انسانی یا عاطفه پدر و فرزندی قرار گیرد و باز درباره آنها شفاعت کند در حالی که آنها دیگر شایسته شفاعت نبودند.

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۳۱

در آیه بعد می‌فرماید: «هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدی و استقرار یافتی خدا را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس بجا آور و بگو حمد خدائی را که ما را از قوم ستمگر رهائی بخشید» (فاذا استويت انت و من معك على الفلك فقل الحمد لله الذى نجانا من القوم الظالمين).

و بعد از حمد و ستایش خدا در برابر نخستین نعمت بزرگ او یعنی نجات از چنگال ظالمان، از درگاهش چنین تقاضا کن «و بگو: پروردگارا! مرا در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگانی» (و قل رب انزلني منزلا مباركا و انت خير المنزلين).

واژه «منزل» ممکن است «اسم مکان» باشد، یعنی بعد از پایان گرفتن طوفان کشتی ما را در سرزمینی فرود آور که دارای برکات فراوانی باشد و ما بتوانیم با آسودگی خاطر به زندگی خود ادامه دهیم.

و نیز ممکن است «مصدر میمی» باشد، یعنی ما را به طرز شایسته‌ای فرود آر چرا که بعد از پایان گرفتن طوفان به هنگام نشستن کشتی بر زمین،

خطرات زیادی این سرنشینان را تهدید می کرد، نبودن جای مناسب برای زندگی، کمبود غذا، انواع بیماریها، نوح از خدا می خواهد که او را به نحوی سالم و شایسته بر زمین فرود آورد.

و بالاخره آخرین آیه مورد بحث اشاره به مجموع این داستان کرده می گوید: «دراین ماجرای نوح و پیروزی بر ستمکاران و مجازات این قوم سرکش به شدیدترین وجه، آیات و نشانه هائی برای صاحبان عقل و اندیشه است!» (ان فی ذلک لآیات).

«و ما به طور مسلم همگان را آزمایش می کنیم» (و ان کنا لمبتلین

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۳۲

این جمله ممکن است اشاره به این باشد که ما قوم نوح را کرازا آزمودیم و هنگامی که از عهده آزمایشها برنیامدند هلاکشان کردیم.

و نیز ممکن است اشاره به این باشد که ما همه انسانها را در هر عصر و زمان آزمایش می کنیم و آنچه در آیات فوق گفته شد مخصوص مردم عصر نوح نبود، بلکه در همه اعصار و قرون در اشکال مختلف، آزمایشها صورت می گیرید، و دراین آزمایشها آنها که خار راه تکامل بشرند از سر راه برداشته می شوند، تا بشریت به سیر تکاملی خود همچنان ادامه دهد.

جالب اینک در آیات فوق، تنها به مساءله ساختن کشتی و سوار شدن نوح و یارانش بر آن اکتفا شده و اما اینکه سرانجام گنهکاران به کجا رسید پیرامون آن سخنی به میان نیامده چرا که با وعده الهی «انهم مغرقون» مسلم می شود چنین سرنوشتی دامن آنها را گرفته، چرا که وعده اش تخلف ناپذیر است.

ذکر این معنی نیز لازم است که درباره قوم نوح و مبارزه آنها با این پیامبر بزرگ و سرنوشت دردناک آنان و ماجرای کشتی ساختن و جوشیدن آب از تنور و وقوع طوفان و غرق فرزند نوح، سخن بسیار است که ما قسمت زیادی از آن را در سوره هود جلد نهم از صفحه ۶۸ تا صفحه ۱۲۵ مشروحا آورده ایم و به خواست خدا بخش دیگری هم در تفسیر سوره نوح خواهد آمد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۳۳

## آیه و ترجمه

ثم انشاننا من بعدهم قرنا اخرين ٣١  
فارسلنا فيهم رسولا منهم ان اعبدوا الله مالكم من اله غيره افلا تتقون ٣٢  
وقال السملأ من قومه الذين كفروا و كذبوا بقاء الاخرة و اترفنهم في الحيوۃ  
الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم ياكل مما تاكلون منه و يشرب مما تشربون ٣٣  
و لئن اءطعتم بشرا مثلكم انكم اذا لخاصرون ٣٤  
ايعدكم انكم اذا متم و كنتم ترابا و عظاما انكم مخرجون ٣٥  
هيها ت هيها ت لما توعدون ٣٦  
ان هي الا حياتنا الدنيا نموت و نحيا و ما نحن بمبعوثين ٣٧  
ان هو الا رجل افترى على الله كذبا و ما نحن له بمؤمنين ٣٨  
قال رب انصرني بما كذبون ٣٩  
قال عما قليل ليصبحن نادمين ٤٠  
فاخذتهم الصيحة بالحق فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين

---

### تفسير نمونه جلد ١٤ صفحه ٢٣٤

#### ترجمه :

- ٣١ - سپس بعد از آنها جمعیت دیگری را به وجود آوردیم.  
٣٢ - و در میان آنها رسولی از خودشان فرستادیم که پروردگار یکتا را بپرستید، جز او معبودی برای شما نیست آیا (با این همه از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!  
٣٣ - ولی اشرافیان خود خواه قوم او که کافر شده بودند و لقای آخرت را تکذیب کرده بودند و ناز و نعمت در زندگی دنیا به آنها داده بودیم گفتند: این بشری است مثل شما! از آنچه شما می خورید می خورد و از آنچه می نوشید می نوشد!  
٣٤ - و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید مسلما زیانکارید.  
٣٥ - آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید باردیگر (از قبرها) خارج می شوید؟

---

### تفسير نمونه جلد ١٤ صفحه ٢٣٥

- ٣٦ - هیها ت، هیها ت از این وعده هائی که به شما داده می شود!.



۳۷ - غیر از این زندگی دنیا چیزی در کار نیست، پیوسته گروهی از ما می‌میرند و نسل دیگری جای آنها را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

۳۸ - او فقط مرد دروغگوئی است که بر خدا افترا بسته و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

۳۹ - عرض کرد، پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنها یاری فرما.

۴۰ - (خداوند) فرمود: به زودی آنها از کار خود پشیمان خواهند شد. (اما زمانی که سودی به حالشان ندارد).

۴۱ - سرانجام صیحه آسمانی آنها را به حق فرو گرفت و ما آنها را همچون خاشاک بر سیلاب قرار دادیم دور باد از رحمت خدا قوم ستمگر!

**تفسیر:**

**سرنوشت غم انگیز یک قوم دیگر (قوم ثمود)**

این آیات به بحث پیرامون اقوام دیگری که بعد از نوح (علیه السلام) بر سر کار آمدند پرداخته و منطق آنها را که هماهنگ منطق کفار پیشین بوده، و همچنین سرنوشت دردناکشان را شرح می‌دهد، و بحثهایی را که در آیات گذشته ذکر شد تکمیل می‌کند.

نخست می‌گوید: «ما بعد از آنها جمعیت دیگری را به وجود آوردیم و قوم تازه‌ای به روی کار آمدند» (ثم انشانا من بعدهم قرنا آخرین).

«قرن» از ماده «اقتران» به معنی نزدیکی است، لذا به جمعیتی که در عصر واحد زندگی می‌کنند قرن گفته می‌شود، و گاه به زمان آنها نیز قرن می‌گویند، اندازه‌گیری مدت قرن به سی سال یا صد سال صرفاً جنبه قراردادی دارد و تابع سنتهای اقوام مختلف می‌باشد.

از آنجا که بشر نمی‌تواند بدون یک رهبر الهی باشد خداوند پیامبر بزرگی

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۳۶

را برای نشر دعوت توحید و آئین حق و عدالت به سوی آنها فرستاد چنانکه آیه بعد می‌گوید: «ما در میان آنها رسولی از خودشان فرستادیم که پروردگار یکتا را بپرستید و جز او معبودی برای شما نیست» (فارسلنا فیهم رسولا منهم ان اعبدوا الله ما لکم من اله غیره).

این همان چیزی بود که نخستین پایه دعوت همه پیامبران را تشکیل

می‌داد این ندای توحید بود که زیر بنای همه اصلاحات فردی و اجتماعی است. سپس این رسول الهی برای تاءکید بیشتر به آنها می‌گفت: «آیا در برابر این دعوت صریح باز هم از شرک و بت پرستی پرهیز نمی‌کنید» (افلا تتقون). در اینکه این قوم کدامیک از اقوام بودند؟ و پیامبرشان چه نام داشت؟ مفسران بابررسی آیات مشابه آن در قرآن دو احتمال داده‌اند:

نخست اینکه منظور «قوم ثمود است» که در سرزمینی در شمال حجاز زندگی می‌کردند و پیامبر بزرگ الهی «صالح» برای هدایت آنها مبعوث شد، آنها کفرورزیدند و راه طغیان پیش گرفتند، سرانجام به وسیله صیحه آسمانی (صاعقه‌ای مرگبار) از میان رفتند.

شاهد این تفسیر مجازات «صیحه» است که در پایان آیات مورد بحث برای آنها ذکر شده، و در سوره هود آیه ۶۷ نیز صریحا در باره «قوم صالح» آمده است.

دیگر اینکه منظور «قوم عاد» است که پیامبرشان «هود» بود و در بعضی از آیات قرآن سرگذشت آنها بلافاصله بعد از سرگذشت نوح آمده و این خودقرینهای بر این تفسیر است.

اما با توجه به اینکه مجازات این قوم طبق آیات ۶ و ۷ سوره «الحاقه» تندبادشدیدی بود که هفت شب و هشت روز آنها را در هم می‌کوبید روشن می‌شود

